

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

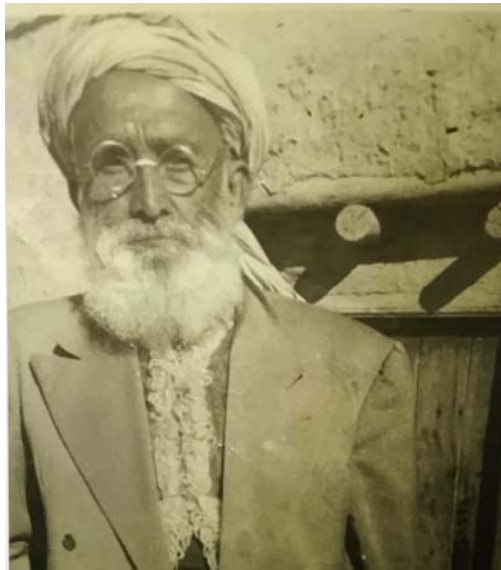
سیاسی

استاد اکبر قریشی
۱۸ مارچ ۲۰۲۵



استاد اکبر قریشی

مصاحبه مطبوعاتی "هاشم ارشادی" مدیر نطقان رادیو افغانستان بامردی مجاهد!



محمد زمان خان قریشی

این مجاهد که (۱۳۶ سال) عمر کرد، و در دفع تجاوز دوم انگلیس بر افغانستان و جنگ استقلال اشتراک نموده بود پدر گلان من "محمد زمان خان قریشی" می باشد. ناگفته نماند که من مصاحبه را به اساس آنچه در ذهنم از همان زمان باقی مانده، تقدیم شما خوانندگان گرامی می نمایم باشد ضمن ادای دین به پدرکلانم، گامی نیز در جهت مکتوب ساختن تاریخ شاهی کشور نیز برداشته باشم.

من شاگرد صنف دوازدهم لیسه عالی نادریه بودم جناب محترم مرحوم "هاشم ارشادی" همراه گرامی یاد پدرمهربانم در تماس شده بود و آرزوی یک مصاحبه مطبوعاتی با پدر گلانم "محمد زمان خان قریشی" نموده بود. بناءً از جانب پدرم به من وظیفه داد تا محترم "هاشم ارشادی" را به "قلعه مرادبیگ" در پشت "لوی حسین کوت" به محلی که به نام "قلعه عرب ها" نامیده می شد و محل سکونت درکلانم بود، ببرم. اینک آن شما و اینهم هم گوشه هائی از آن مصاحبه طولانی که در حافظ مانده است:

بعزاز احوال پرسى سوالات ژورنالیست برجسته وموفق کشور ما شروع شد ومن خاموشی اختیار نموده به سوالات وجوابات شان گوش می نمودم:

سؤال: محترم چند سال عمر دارید؟

جواب: بعزاز خنده گفت: "ارشادی" عزیز تاریخ و روز آن به یادم نیست اما باید بگویم در زمان امیر شیرعلی خان دوازده سال عمر داشتم.

سؤال : محترم صاحب چند اولاد پسر ودختر نواسه و کواسه هستيد؟

جواب: ارشادی صاحب دو برادر، سه پسر، چار دختر و دو همسر؛ نواسه و کواسه را گفته می توانم شمار شان را خداوند می داند من نمی دانم زیرا تولدات در بین فرزندان شان روز به روز زیاد شده می رود. پسر بزرگم "میرزا حاجی سکندر قریشی" پدر "اکبرجان" پسر دوم "عبدالروف قریشی" پدر "شاهپور جان" و سومى جگرن "محمد امان قریشی" پدر "احسان جان" هرکدام شان از خودزندگی های جداگانه و خود را دارند دخترها هم چنان تشکیلات فامیلی خود را دارند اولاد شان صاحب مطالعه و تحصیلات شده می روند و همیشه خبرگیر من هستند که من از ایشان خوش هستم.

سؤال: خان صاحب رابطه اجتماعی تان با دوستان ومردم چطور می باشد؟

جواب: هاشم جان عرض نمایم که دوستان بی اندازه صمیمی داشتم که همه شان جز فامیل ما است همین رابطه بهتر بین تمام مردم کشور ما بوده که دارای وحدت شده و هر روز مستحکمتر شده می رفت همین بود که ریش سفید ها به خردان محبت و خردان به بزرگان احترام داشتند مانند زنجیر گره خورده بودیم کدام تعبض نژادی، قومی، مذهبی و زبانی بین ما تا امروز وجود ندارد شکر.

سؤال - خان صاحب راجع به پادشاهان کشور ما اگر معلومات دارید بدهید چه بهتر آنچه را در طول عمرتان دیده و یا شنیده اید، باشد.

جواب: ارشادی صاحب نام پدرم "نواب خان" ونام پدر گلانم "تواب خان" بود در آن زمان تنورخانه های کلان ساخته می شد امروز به نام مهمانخانه یادمی گردد ویا در مساجد خردبزرگ دورهم جمع شده بزرگان از جنگ های بین اولاد احمدشاه ویا بین سردار پاینده محمد خان قصه های کردند که ما حیران مانده گوش می دادیم ومیگفتند که امروز بین پسرهای احمد شاه و پاینده محمد خان جنگ جریان دارد شما از خانه های تان بیرون نروید وقلعه ها دارای دروازه

های بزرگ بود دروازه های قلعه رابسته می کردیم که زنها و کودکان بیرون نروند و ما منتظر پیام های پدران خود بودیم و بیرون نمی رفتیم

جنگ و جدال بین شان باعث آمدن کافر هائی که مردم عوام آنها را "فرنگی" ها و بعدها "انگریز ها" -انگلیس ها- می گفتند زمانی که آگاهی پیدا نمودیم در صفوف مجاهد ما جوانان نیز آهسته آهسته شامل شدیم .

دومسأله را باید یاد آور شوم یکی جنگ بین شهزاده ها و دیگر جنگ با فرنگی ها یا کافر ها بود که توسط کافر ها یک شهزاده می آمد دیگری می رفت کشمکش های بین روسیه تزاری و انگلیس ها سرپادشاهی شهزادگان و گرفتن خاک ما شروع شده بود در زمان امیر شیرعلی خان من دوازده سال عمر داشتم در پهلوی امیر مردمان بادانش واندیشمند وجودداشت در آنزمان فابریکه سلاح سازی ساخته بود ولی آزادی مردم وطن ما از طرف کافر ها سلب شده می رفت انگلیس و روس ها هر حصه از خاک مارا قیچی کرده می رفتند.

در دفع تجاوز اول انگریز بالای افغانستان، تعدادزیادی از دوستان و فرزندان کشور ما از تمام ولایت کشته و زندانی شدند ولی فرنگی ها شکست خوردند در دفع تجاوز دوم هم چنان زمانی که عبدالرحمن خان توسط خارجی ها قدرت را گرفت در جنگ های داخلی زیاد مردم توسط عبدالرحمن خان کشته شدند و حکومت مرکزی خودرا بنا نمود بعد از عبدالرحمن خان پسرش حبیب الله خان سرچوکی نشست نفر های خوب و فهمیده دورش جمع شده نظریات خوبی می دادند اما خودش عیاش بود و اکثریت کارکنان دولت را توهین می کرد همین باعث کشته شدن خودش شد

البته از زمان شیرعلی خان تا آمدن امان الله خان مردم فهمیده به بیداری توده ها تلاش داشتند و مردم روز به روز بیدار می شدند ودر مجالس خصوصی صحبت های دولت مشروطه در بین مردم که جوانان نیز بین شان بود زمزمه می گردید. امیر حبیب الله توسط جاسوسان خود از جوانان آگاهی پیدا می کرد فوراً آنها را اعدام و یا زندانی می ساخت زمانی که امیر حبیب الله کشته شد انگریز ها میخواستند بین دوبرادر جنگ اندازی نمایند یک برادر آگاهی پیدا نمود به نفع امان الله کار نمود. با آمدن امان الله خان جنگ استقلال شروع شد.

سؤال: خان صاحب راجع به جنگ استقلال که برخی ها آن را جنگ سوم نیز می گویند، اگر معلومات بدهید بهتر می شود

جواب: هاشم جان، مردم افغانستان از قدیم سلحشور بودند هر انسان آزادی را خوش دارد حتا حیوانات هم. مردم ما چی زن است چی مرد خاک خودرا دوست دارند در همان جائی که تولد شده اند درمقابل دشمن خود ایستادگی می کنند و کردند زمانی که روسیه تزاری و انگریز می خواستند به خاک ما حمله نمایند ما آنها را کافر می گفتیم و آنها مارا به نام های مختلف خطاب می کردند زمانی که جنگ ها شروع می شد ریش سفیدها و جوانان همه باهم وحدت داشتیم فوراً یکی به دیگری اطلاع رسانی نموده شفاهی خبر می دادیم که کافر ها داخل خاک ما شدند هرمنطقه تحت یک رئیس عمومی (با بیل. تیر چوپ تفنکچه، دنده چوپ سنک های تیز) "چارپار" گفته با دهل نغاره حرکت می کردیم همه مردم در سرتاسر افغانستان آمادگی داشتند. برای جنگ زنان واطفال برای ما نان و آب می آوردند ما سه جنگ را به همت بزرگان وطن و مردم از زنان و مردان خودبرده بودیم به خاطری که همه مردم کشور ما بین یک دیگر مانند خواهر و برادر وحدت داشته و خاک را حفظ نمودند و دیگر بایدعلاوه نامیم که رئیس های هر قوم شریف با هم ارتباط داشتند همراه همدیگر رفت امدداشتند یاد آوری می کنم در افغانستان بسیار کم نفر تاریخ واقعی را نوشته نموده باید بازنگاری صورت بگیرد تاریخ غلط نوشته شده بیطرفانه نبوده یک جانبه تحریر شده .

سؤال: خان صاحب بعد از گرفتن استقلال چی تحولات به وجود امده اگر صحبت نمایند!

جواب: ارشادی صاحب در مرحله اول تمام مردم کشور خوشحال بودند امان الله خان اولین کاری که نمود بردگی را از

بین برد مادر و خانم امان الله همراه دوستان خود در تعلیم تربیه زحمت می کشیدند

در وازه های مکاتب را بر روی دختران و پسران باز نموده حتا تعدادی جوانان چی دختر و چی پسر را به خارج برای تحصیل روان نمود آرزو داشت که از نگاه دانش تعلیم و تربیه پیشرفت نمایند و به سفر خارج از کشور پرداخت بعد از سفر انگلیس وملاها ورفیق هایش به تبلیغات منفی دست زدند مانند ملای لنگ و تعداد دیگر از نوکران انگلیس نوشتند که امان الله کافر شده مکاتب را باز کرده پس مجبور به ترک وطن شد ودوستان شان مردی به نام حبیب الله کلکانی را به حیث پادشاه ساختند که نه دانش ونه علمیت داشت به کمک خاندان مجددی، گیلانی وچند وزیر امان الله خان مدت چند ماه دوام نمود زمانی که امان الله خان به ایتالیا رسیده تبلیغات علیه حبیب الله کلکانی شروع کردند تااین که نادرخان و برادران وی را انگلیس از راه پکتیا به کابل آوردند وحبیب الله همراه رفیق های خودبه طرف جبل السراج فرار و در کوه ها مخفی شدند نادر خان زمانی که به کابل آمد در قرآن مهر نموده توسط مجددی برای حبیب الله روان نمودکه ما شما را نمی کشیم با ما همکار شوید بعد توسط یک عده از مردم پکتیا آنها را در ارگ اعدام نمود وسران قوم پکتیا را مدال و رتبه جنرالی داده واز عسکری معاف شان ساخت. بعداً رفیق ودوست امان الله خان غلام نبی خان چرخي را هم کشت تابالاخره توسط خالق هزاره کشته شد بعد از آن برادران نادرخان کنترول دولت را به دست گرفتند که در رأس شان هاشم خان قرار داشت اکثریت آزادی خواهان، استادان، دوست های امان الله خان را زندانی وخالق هزاره را همرا فامیل شان کشتند و دیگر مردمان آزادیخواه که طرفدارمردم بودند اعدام و زندانی کرده رفت تااین که جای وی را برادر دیگرش "شاه محمود خان" گرفت. وی ادم خوبی بود قانون اساسی آزادی برای مردم داد.

سؤال اخر: راجع به ظاهرخان چی گفتنی دارید؟ ادم خوبی است کار خوبی می کند اگر خاندانش وی را آرام بگذارند

پوهنتون ومعارف انکشاف نموده تلاش خوبی دارد.

هاشم جان مرا آرام بگذار چون اولاد و نواسه هایم ضربه نبینند. به خاطری که چندین بار خانه های فرزندانم تلاش شده خصوصا از پسرانم.

تشکر از شما خان صاحب.

نوت (مصاحبه پدر کلانم سه ساعت طول کشیده که در ارشیف رادیو افغانستان موجودباشد) بسیار اسناد از پدرکلان، پدر و کاکاهایم موجود بود و داشتن کتاب خانه در بین فامیل ما وجودداشت آمدن حزب دموکراتیک خلق پرچم خانه های مارا چندین بار تلاشی تمام کتاب ها ودیگر کاغذ ها و اسناد ما راهمرا خودبردند بلکه از تمام دانشمندان استادان ومردم فهمیده را این یک جفا در حق اسناد وکتاب های قدیمی می باشد امروز وجود ندارنددر تصاویر نواسه کواسه
.....